

می شمارد و تنها در الوهیت^۴ تن: علی، فاطمه، حسن و حسین(ع) با آنان هم سخن می گردد. از این^۴ نفر نیز تنها علی(ع) را، چون نخستین کس است، الله حقیقی، وبقیه را غیر حقیقی می داند و برخلاف خطایه، از پذیرش رسالت برای سلمان سرزیاز می زند.

بشار، همداستان با علیائیه، علی(ع) را خدایی می داند که به صورت علوی هاشمی جلوه گر شده (کشی، ۴۰۰-۳۹۹)، نیز نک: سعد، ۵۶)، و بنده خویش محمد(ص) را به رسالت از جانب خود فرستاده است (کشی، همانجا). همین سخن سبب گردید تا مورد طعن مخمسه قرار گیرد و پس از مرگ وی بگویند چون او منکر رویت محمد(ص) و رسالت سلمان شد و محمد(ص) را بنده علی(ع) دانست، به صورت پرنده‌ای دریابی به نام علیاء مسخ گردید. از این رو، پیروان او را نیز علیائیه نامیدند (همو، ۴۰۰). در برخی از منابع نام این پرنده علیاء و نام فرقه علیائیه آمده (سعد، همانجا) که البته ممکن است اختلاف در اثر اشتباه ناسخان باشد.

ابوالحسن اشعری در مقالات اسلامیین ضمن بر شمردن فرقه‌های غالی شیعی، از فرقه‌ای به نام «شرعی» نام برد، و گفته است که آنان قائل به حلول خداوند در پنج تن بوده‌اند: نبی(ص)، علی، حسن، حسین و فاطمه(ع) (۸۲/۱-۸۳) که «شرعی» یا تصحیفی از «شعیری» است و یا فردی متفاوت با بشار. به نظر می‌رسد که احتمال دوم بیشتر مقرن به صحت باشد، زیرا علاوه بر تفاوت نظر آنان در الوهیت حضرت محمد(ص)، در منابع دیگر تصریح شده که شرعی فردی است ملقب به ابو محمد که احتمالاً حسن نام داشته، و هم عصر با امام علی النقی و امام حسن عسکری(ع) بوده است (شیخ طوسی، ۳۹۷). برخی دیگر هم شرعی را فرقه‌ای از مخمسه به شمار آورده‌اند (ماسینیون، ۴۴-۴۵).

برخی بشار را از مخمسه و یا پیر و خطایه بر شمرده‌اند (سعد، ۶۰؛ نیز نک: EI²) که احتمالاً اعلت آن اشتراک ایشان در پاره‌ای از عقاید بوده است، ولی باید به تفاوت‌های یاد شده در نظریات آنان، به ویژه آنچه سبب طعن مخمسه بر بشار گردید، توجه نمود. با وجود آنکه وی را راوی واقعه‌ای از امام صادق(ع) – منقول از مفضل بن عمر – دانسته‌اند (خصوصی، ۲۵۶)، بسیاری منابع از طردو لعن بشار توسط امام صادق(ع) گزارش داده‌اند که امام(ع) صریحاً اورا کافر، مشرك، فاسق و ابلیس خوانده است (نک: کشی، ۳۱۶-۳۱۴).

ماخذ: اشعری، علی، مقالات اسلامیین، به کوشش محمد محی الدین عبدالحمید، قاهره، ۱۳۶۹/۱۹۵۰؛ استری، محمد تقی، قاموس الرجال، قم، ۱۲۱۰؛ خصیبی، حین، الهدایة الکبری، بیروت، موسسه البلاغ؛ سعدین عبدالله اشری، المقالات و الفرق، به کوشش محمد جواد مشکور، تهران، ۱۳۶۳؛ شیخ طوسی، محمد، الشیعی، به کوشش عبدالله طهرانی و علی احمد ناصح، قم، ۱۳۱۱؛ صاحب معال، حسن، التحریر الطاوی، به کوشش محمد حسین ترجیحی، قم، ۱۳۰۸؛ کشی، محمد، معرفة الرجال، اخیار شیخ طوسی، به کوشش حسن مصطفی، مشهد، ۱۳۱۳؛ مامقانی، عبدالله، تتفیق المقال، ج سنگی، تهران؛ نیز: EI²; Massignon, L., *Salman Pak*, Tours, 1934.

محمد محمدی المرتی

۱۳۶۶ تن، س، شم: ۳؛ نعالی، عبدالسلک، نمار القلوب، به کوشش محمدابوالفضل ابراهیم، قاهره، ۱۹۸۵؛ همو، خاص الخاص، به کوشش حسن امین، بیروت، ۱۹۶۶؛ جاخط، عمر، الیان والتین، به کوشش عبدالسلام محمد هارون، قاهره، ۱۳۰۵؛ ۹۸۵ م؛ همو، العیزان، به کوشش عبدالسلام محمد هارون، بیروت، ۱۳۸۸؛ ۱۳۶۹ م؛ جهشیاری، محمد، الوزراء و الكتاب، به کوشش مصطفی سقا و دیگران، ترجمه ابوالفضل طباطبائی، تهران، ۱۳۲۸؛ ش، حجاب، نی، مظاہر الشعری، قاهره، ۱۳۸۱؛ ۱۹۶۱/۱۹۶۱، م؛ حسن، ط، حدیث الارباء، قاهره، ۱۹۷۵؛ حصری، ابراهیم، زهر الاداب، به کوشش علی محمد بجارتی، قاهره، ۱۳۷۷؛ ۱۹۵۳/۱۹۵۲؛ خطیب بندادی، احمد، تاریخ بغداد، قاهره، ۱۳۴۹؛ ذنی، محمد، سیر اعلام البلاط، به کوشش شبی ارتزووط و علی ابو زید، بیروت، ۱۹۸۵؛ سید مرتضی، علی، امامی، به کوشش محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت، دارالکتاب العربي؛ شهرستانی، محمد، الملل والنحل، لاپیزگ، ۱۹۲۲؛ م؛ صندی، خلیل، نکت الہمیان، به کوشش احمد زکی، قاهره، ۱۳۲۹؛ ۱۳۲۹/۱۳۲۸؛ همو، الرافی بالولفات، به کوشش زاکلین سویله و علی عمار، بیروت، ۱۹۱۱؛ ۱۹۸۲/۱۹۸۲، م؛ ضیف، شرقی، المعرق الباسی الاول، قاهره، ۱۹۷۲؛ م؛ طبری، تاریخ؛ عباسی، عبدالرحیم، مساعده التخصیص، به کوشش محمد محی الدین عبدالحمید، بیروت، ۱۹۶۷؛ ۱۹۲۷؛ کحاله، عمر رضا، معجم قبائل العرب، دمشق، ۱۳۶۸؛ ۱۹۲۹ م؛ میرد، محمد، الكامل، به کوشش محمد احمد دالی، بیروت، ۱۹۰۶؛ ۱۳۶۸/۱۳۶۷؛ واد، زان کلود، حدیث عشق در شرق، ترجمه جواد حیدری، تهران، ۱۳۷۲؛ ش؛ یاقوت، معجم الادباء، به کوشش احسان عیاض، بیروت، ۱۹۹۳؛ م؛ نیز:

EI²; Gabrieli, F., «Appunti su Baššār b. Burda», *Bulletin of the School of Oriental Studies*, London, 1937-1939, vol. IX; Gibb, H. A. R., *Arabic Literature*, Oxford, 1963; Goldziher, I., *Muslim Studies*, tr., C. R. Barber and S. M. Stern, London, 1967; id., *A Short History of Classical Arabic Literature*, tr. J. Desomogyi, Hildesheim, 1966; Huart, Cl., *Littérature arabe*, Paris, 1920; Nicholson, R. A., *A Literary History of the Arabs*, Cambridge, 1956; Roman, A., «Un Poète et sa dame: Baššār et Abda», *Revue des études islamiques*, Paris, 1969, vol. XXXVII; Vajda, G., «Les Zindiqs en pays d'Islam au début de la période abbaside», RSO, 1938, vol. XVII; Wiet, G., *Introduction à la littérature arabe*, Paris, 1966.
عتاب الله فانتی نیاز

بشار شعیری، ابواساماعیل (دح ۱۸۰/۱۷۹۶م)، از غالیان شیعی. اطلاع کامل و دقیقی از تاریخ زندگی، نحوه تحصیل و اعتقادات وی در اختیار نیست. او از فروش جو (شعیر) روزگار می‌گذراند و از این رو به «شعیری» شهرت یافت؛ اگر چه برخی منابع از احتمال انتساب وی به محله «باب الشعیر» در بغداد نیز سخن گفته‌اند (نک: مامقانی، ۱/۲۰/۲). گاه از وی با عنوان «اشعری» نام بردۀ‌اند (کشی، ۳۰۵؛ صاحب معالم، ۵۵). درباره این نام گذاری از دو احتمال یاد شده است: نخست آنکه اشعری فردی است ناشاخته و متفاوت با شعیری؛ دیگر آنکه تبدیل «الشعیری» به «اشعری» ناشی از تصحیف بوده است (تسیری، ۳۱۲/۲-۳۱۳؛ مامقانی، ۱/۱۷۰/۲).

بشار در عصر امام صادق(ع) می‌زیست و در کوفه اقامه داشت. او در عقاید چون تناسخ، ابا حیگری و تعطیل سنن و احکام، هم رأی و همنظر با خطایه بود، اما به رغم اشتراکات بسیار، در مسائل‌ای مهم با آنان به مخالفت برخاست. او برخلاف مختصه که قائل به الوهیت (پنج تن)، یعنی محمد(ص)، علی، فاطمه، حسن و حسین(ع) بودند، محمد(ص) را از زمرة آنان خارج دانسته، برای وی مقامی همانند مقام سلمان نزد مخمسه قائل می‌شود و محمد(ص) را بنده علی(ع)